

بررسی سیره تربیتی پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله وسلم) در ارتباط با کودکان

هدی خزاعل^۱

چکیده

خداوند در حق رسول مکرّمش محمد بن عبد الله (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: "انک لعلی خلق عظیم. براستی که بر خلق عظیمی هستی" بنده ناتوانی چه می‌تواند در حق پیامبری که سراپا فضیلت و رحمت و منبع خیر و نیکی و بزرگواری است بگوید؟ آنچه می‌گویم قطره‌ای است از دریاخوی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و رفتار آن بزرگوار و کردار آن حضرت، سرمشق مسلمین و بلکه نمونه عالی همه انسانها است و در حقیقت تجسم اسلام. پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) به همه مسلمانان با چشم برادری و با نهایت مهر و محبت رفتار می‌کرد. به نظافت لباس و بدن خیلی اهمیت می‌داد. وضوی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) همیشه با مسواک کردن دندانها همراه بود. از استعمال عطر دریغ نمی‌فرمود. همیشه با پیر و جوان مؤدب بود. همیشه در سلام کردن پیش دستی می‌کرد. تبسم همیشه بر لبانش بود، ولی از بلند خندیدن پرهیز داشت. به عیادت بیماران و تشیع جنازه مسلمانان زیاد می‌رفت. مهمان نواز بود. یتیمان و درماندگان را مورد لطف خاص قرار می‌داد. دست مهر بر سر یتیمان می‌کشید. از خوابیدن روی بستر نرم پرهیز داشت، با همه مهر و نرمی که با زیردستان داشت در برابر دشمنان و منافقان بسیار شدت عمل نشان می‌داد. در جنگها هرگز هراسی به دل راه نمی‌داد و از همه مسلمانان در جنگ به دشمن نزدیکتر بود.

کلید واژه: سیره، اخلاق، تعلیم

^۱. طلبه سطح ۲ (کارشناسی)، مدرسه علمیه کوثر خرمشهر،

مقدمه

یکی از شاخصه های پر اهمیت در پیشرفت اسلام اخلاق نیک و کلام دلاویز و پرجاذبه پیامبر اکرم (ص) با انسان ها بود، این خلق نیکوتا بدان حدی بود که معروف شد سه چیز در پیشرفت اسلام نقش به سزایی داشت:

۱- اخلاق پیامبر (ص)

۲- شمشیر و مجاهدات حضرت علی (ع)

۳- انفاق ثروت حضرت خدیجه (س)

در قرآن مجید، به نقش اخلاق پیامبر (ص) در پیشرفت اسلام و جذب دل ها تصریح شده است، آن جا که می خوانیم: «فبما رحمة من الله لنت لهم و لو كنت فظا غليظ القلب لانفضوا من حولك فاعف عنهم و استغفر لهم و شاورهم في الامر؛ ای رسول ما! به خاطر لطف و رحمتی که از جانب خدا، شامل حال تو شده، با مردم مهربان گشته ای، و اگر خشن و سنگدل بودی، مردم از دور تو پراکنده می شدند، پس آن ها را ببخش، و برای آن ها طلب آموزش کن، و در کارها با آن ها مشورت فرما.» از این آیه استفاده می شود که: ۱- نرمش و اخلاق نیک، یک هدیه الهی است، کسانی که نرمش ندارند، از این موهبت الهی محرومند؛ ۲- افراد سنگدل و سخت گیر نمی توانند مردم داری کنند، و به جذب نیروهای انسانی بپردازند؛ ۳- رهبری و مدیریت صحیح با جذب و عطوفت همراه است؛ ۴- باید دست شکست خوردگان در جنگ و گنه کاران شرمنده را گرفت و جذب کرد (با توجه به این که شان نزول آیه مذکور در موردندامت فراریان مسلمان در جنگ احد نازل شده است)؛ ۵- مشورت با مردم از خصلت های نیک و پیوند دهنده است که موجب انسجام می گردد.

لازم به ذکر است که این موضوع از همان روز های اول بعثت پیامبر اکرم و قبل تر از آن شاید، مورد توجه مردم و مومنین واقع شده است چرا که پیامبر اکرم که در بین آنها زندگی می کردند، میدیدند که ایشان چطوری با کودکان رفتار می کردند و همین رفتارهای به ظاهر ناچیز باعث تربیت کودکان می شد، که همین سیره و نوع تعامل پیامبر اکرم مورد توجه مولفین کتب نیز واقع شده است که در این زمینه کتاب نوشته اند از جمله:

۱. کتاب "سیره نبوی" اثر محمد حسین هیکل

۲. کتاب "سیره پیامبر اکرم و تربیت اخلاقی" اثر محمد محمدی ری شهری

۳. مقاله "تربیت کودکان در سیره پیامبر اکرم" از سید حسین نصر

۴. کتاب "پیامبران و تربیت اخلاقی" اثر علی اکبر رائفی

مفهوم شناسی

مفهوم لغوی و اصطلاحی "سیره"

لغوی :

سیر یعنی حرکت، رفتن، راه رفتن. همچنین نوع راه رفتن. سیره بر وزن «فَعَلَه» است و در زبان عربی، دلالت بر نوع می کند.

اصطلاحی :

«سیره» از قرن اول و دوم هجری بین مسلمانان رایج گردید و ریشه عربی دارد و عبارت است از تداوم و استمرار سیرت و روش عملی مردم یا جمعی از آنان بر انجام دادن یا ترک کاری. از سیره در اصول فقه به عنوان یکی از راههای دستیابی به احکام شرع سخن به میان آمده است، تا جایی که در بابهایی از فقه نیز در مورد احکام گوناگون، بدان استناد و استدلال کرده‌اند.

سیره در اصطلاح به آن بخش از رفتار و روش عملی هر شخص گفته می‌شود که از حالت وحدت و یکبار یا چند بار محدود انجام گرفتن بیرون آمده باشد و به مرحله تکرار و مداومت رسیده باشد، و به صورت یک سبک و روش درآمده باشد. سیره در روایات با آنچه در اصطلاح یاد شده است، سازگاری و هماهنگی دارد. در مجموع می‌توان سه معنی برای سیره در اصطلاح یاد کرد که با آنچه که در روایات آمده است، سازگاری دارند یا دست کم در احادیث و کتب لغت به این معانی نیز اشاره شده است.

مفهوم لغوی و اصطلاحی "اخلاق"

لغوی :

اخلاق جمع «خُلُق» و «خُلُق» می‌باشد. خُلُق به معنی قوا و سجایا و صفات درونی است که با چشم دل دیده می‌شود.

اصطلاحی :

در اصطلاح «اخلاق مجموعه صفات روحی و باطنی انسان است» یا «علمی است که از ملکات و صفات خوب و بد و ریشه‌ها و آثار آن سخن می‌گوید». غربی‌ها هم از علم اخلاق تعاریف مختلفی ارائه داده‌اند، مثلاً «علم اخلاق عبارت است از تحقیق در رفتار آدمی به آن گونه که باید باشد». یا «مجموع قوانین رفتار که انسان به واسطه مراعات آن می‌تواند به هدفش برسد».

اخلاق پیامبر

او همواره به کودکان سلام می کرد

مدت یک قرن است که غرب تحقیقات دامنه دار و عمیقی پیرامون روان شناسی کودک به انجام رسانده است که به واقع، نتایج چشمگیری از آن پژوهش ها به دست آمده است؛ هرچند به بسیاری از پژوهش های آنان نمی توان به دیده اطمینان کامل نگریست. تا این زمان همچنان پیروان ژان پیاژه (زیست شناس، فیلسوف و روان شناس سوئیسی، متوفای ۱۹۸۰ م)، اسکینر، باندورا، کلارک هال، اریکسون و هاینزوانر، با یکدیگر نسبت به عقاید استادان خود اختلاف عقیده دارند. جمعی کودک را بزرگسالی کوچک (به تعبیر آنان: مینیاتور بزرگسال) و بعضی او را کاملاً متمایز با بزرگسال تعریف می کنند. عده ای او را متمایل به بدی، و برخی او را پاک سرشت می دانند. (۱)

درباره تربیت، تغذیه، رشد، عادت ها و رفتارهای کودک نیز نظریات متفاوت و متناقض بسیاری میان پژوهشگران وجود دارد که به واقع آدمی گاه در انتخاب نظریه درست میان آنان سرگردان می شود. انبوه نتایج علمی که امروزیان بدان دست یافته اند در سایه آزمایش های سالیان متمادی، استفاده از فن آوری و استمداد از تجربیات گذشتگان است؛ با این حال پیوسته طرح ها و نظریات جدیدی به دست می آید که گاه به طور کامل، ناقض نظریات گذشته است. اما در صدها سال پیش که هیچ یک از این زمینه ها و امکانات پژوهشی وجود نداشته است، از سوی حضرت محمد امین(ص) نسبت به کودکان، گفتارها و رفتارهایی مشاهده شده است که امروزیان در ژرفای آن درمانده شده اند و فهم عمیقی از آن به دست نیاورده اند. معجزه حضرت محمد امین(ص) تنها آیات قرآن نبود. گفتار و رفتارش، همه معجزه بود. چه آن که معجزه پدیده ای است که بشر از ارائه نمونه آن ناتوان باشد.

در عقاید امروزیان متمدن و متفکر [؟] چنین آمده است که: اگر کودکان، وحشی و پرخاشگرند باید آنان را رام و مطیع گردانید. زیرا آنان ماهیت حیوانی دارند و غرایز نقش اساسی در انگیزش رفتارشان دارد. (۲) این در حالی است که ما بارها این جمله را از سخنان رسول اکرم(ص) شنیده یا خوانده ایم که: پنج چیز است که تا آستان مرگ آن ها را ترک نمی کنم؛ یکی از آنها سلام کردن به کودکان است. (۳)

به راستی، ژرفای مفهوم این جمله را کدام متفکر روان شناس درک می کند؟ در افکار خردسالان چه می گذرد که حضرت امام صادق(ع) در پی نقل آنچه از رسول خدا(ص) فرا گرفته، می فرماید: احبوا الصبيان و ارحمهم و اذا وعدتموهم ففولهم فانهم لا يرون الا انکم ترزقونهم؛ به کودکان محبت بورزید و مورد شفقت شان قرار دهید و هرگاه به آنان وعده ای دادید، وفا کنید. زیرا آن ها شما را روزی دهنده خود می دانند. (۴) در این رفتار رسول خدا(ص) چه حکمتی نهفته بوده است که همه روزه که صبحگاه از خواب بر می خاست، دست محبت به سر فرزندان خود می کشید! (۵)

در این نوشتار به طور گزیده به تشریح پاره ای از گفتارها و رفتارهای حضرت محمد(ص) درباره کودکان می پردازیم .

نامطمئن بودن نظریات رایج کنونی و سرمشق بودن رفتار پیامبر(ص) برای ما- به تصریح آیه قرآن -(۶) ما را بر آن می دارد که به فرموده ها و کردار حضرت رسول اکرم(ص) عمیق تر بنگریم و به واقع اعتقاد داشته باشیم که آنچه او به جای آورده - به فرض درستی روایت - فراتر از اکتشافات علمی امروزیان است. کوچک ترین عمل او در پی ارائه معیاری است که برای معاصران وی ناشناخته ماند و برخی تا این زمان نیز ناشناخته باقی مانده است. از آن نمونه، در جمله ای ساده از آن بزرگوار می خوانیم :

((اکرموا اولادکم و احسنوا آدابکم؛(۷) فرزندانان را گرامی بدارید و با آداب و روش پسندیده با آنان رفتار

کنید.))

در نظر سطحی، این فرموده تنها سفارش به احترام کودکان و رفتار صحیح با آنان است. اما این که چه رفتاری در شأن کودک نیست تا از آن پرهیز شود، و چه روشی نادرست است تا نسبت به وی انجام نگیرد جای گفتگو است. آیا والدین و مربیان برای یافتن پاسخ صحیح این دو پرسش، خود نباید پیش تر پیرامون تربیت کودک آگاهی هایی به دست آورند؟ پدر و مادری که با آداب و روش صحیح زندگی ناآشنایند چگونه می توانند فرزندشان را با آداب درست تربیت کنند؟! آیا بوسیدن کودکان - دختر یا پسر- تا چه سنی روا است؟ آیا بلند شدن در برابر بچه های کم سن بجا است یا نابجا؟ آیا تنبیه و کتک آنان تا چه میزان سفارش می شود؟ تفاوت گذاری میان آنان تا چه اندازه صحیح یا ناصحیح است؟ بازی کودک و ((بازی با کودک)) چه لزوم و فایده ای دارد؟

بنابراین، سفارش به گرامیداشت کودک، تأکید بر تأسیس بنیادی است که به خانواده ها آموزش دهد چگونه با فرزندانشان رفتار کنند. خانواده و مجالس خانوادگی، آموزش و پرورش، صدا و سیما و مراکز فرهنگی، هر یک بنیادی است که باید بدین مهم توجه کند .

از طرف دیگر باید مشخص شود که بی احترامی به کودک و ترک آموزش وی چه پیامدهایی دارد! اگر اطرافیانش با آداب و روش درست با او برخورد نکنند چه پیش خواهد آمد؟ کودک در هر حال بزرگ خواهد شد. اگر او در بزرگسالی دریابد که بسیاری از رفتارهای بزرگسالان با وی در کودکی، ناصحیح بوده است، نسبت به آنان چگونه خواهد اندیشید؟ آیا والدین چنین کودکی اکنون در بزرگسالی این کودک می توانند امیدوار باشند که وی آرای امروز آنان را بپذیرد و بدان عمل کند؟ چگونه بسیاری از والدین بدین امر توجه ندارند که یکی از علت های تمرد نوجوانان و جوانان، پی بردن آنان به اشتباه روش پدر و مادر در کودکی ایشان است !

به هر تحلیل، توجه رسول خدا(ص) به دنیای کودکان را در چندین جنبه می توان جستجو کرد :

بارها رخ می داد که رسول اکرم(ص) کودکان را بر مرکب خود سوار می کرد و لحظاتی با ایشان هم سخن می شد. جابر بن عبدالله می گوید: روزی نزد رسول خدا(ص) رفتم، دیدم آن بزرگوار به زانو خم شده است و دو نوه اش حسن و حسین(علیهما السلام) را بر دوش گرفته، در اتاق بر روی دست و پا راه می رود و می فرماید: وسیله سواری شما خوب مرکبی است و البته شما هم خوب سوارانی هستید. (۳۷)

مرحوم فیض کاشانی می نویسد: هر زمان رسول خدا(ص) از سفری باز می گشت و در راه به کودکان برمی خورد لحظه ای درنگ می کرد و به کسی از اطرافیان می فرمود تا یکایک بچه ها را بلند کند و بر مرکب او بگذارد. بعضی را پشت سر خود و بعضی را جلو می نهاد. هنگامی که بچه ها پس از عبور پیامبر(ص) با هم خلوت می کردند این خاطره را برای یکدیگر نقل می نمودند و برایشان جالب بود که آن حضرت برای سوار کردن کودکان به اصحابش دستور داده است. (۳۸)

ب. راز همبازی شدن با بچه ها

بچه های خردسال مفهوم زندگی کردن و زنده بودن را به ((بازی)) می شناسند. وقتی کسی آن ها را از بازی کردن محروم کند گویا از زندگی کردن بازیشان داشته است و شاید شدیدترین محرومیت برای آنان همین باشد؛ چنان که امروزه بازی کردن اطفال را یکی از علایم سلامتی جسمی و روحی او برمی شمردند .

حضرت رسول خدا(ص) فرموده است: ((دع ابنک یلعب سبع سنین؛ (۳۹) بگذار فرزندت تا هفت سال بازی کند.)) این سفارش حکایت از آن دارد که آن رسول برگزیده، بازی را نوعی ابزار سرگرمی و اتلاف عمر نمی داند. هفت سال نخست زندگی، دوره شناخت جهان پیرامون خود است. کودکان در این دوره گویا نه با یکدیگر، که با جهان و پدیده های اطراف خود بازی می کنند تا آن ها را بشناسند، بیازمایند و بدانند که باید با پدیده ها چگونه برخورد کرد. در همین دوره است که در پی بازی، حس بینایی و لامسه آن ها بهتر به کار گرفته می شود، ذهنشان قدرت ابتکار و روحشان اعتماد به نفس می یابد .

بازی فرصتی برای متعادل کردن تمایلات عاطفی، آموزش جمعی و عامل تقویت روحیه جمعی است. آن ها با بازی می آموزند که چگونه با دیگران رابطه صحیح برقرار سازند، حقوق افراد را مراعات کنند و به فعالیت گروهی بپردازند .

زمانی که این دوره با روش صحیح به بازی سپری شود و کودک توان نهفته در درون خود را در این دوره بروز داده و از بازی سیراب شده باشد، در بزرگسالی به انجام کارهای ویژه دوره خردسالی نمی پردازد. رسول خدا(ص) در همین باره می فرماید: ((عرامه الصبی فی صغره زیاده فی عقله فی کبره؛ (۴۰) جنب و جوش و ستیزه جویی کودک در دوران خردسالی، نمایانگر فزونی عقل و اندیشه او در بزرگسالی است.))

زمانی که شما با کودک همبازی می شوید گویا به وی تفهیم می کنید که شما احساس کودکی اش را درک می کنید و کارهای کودکانه اش را بی مقدار و بیهوده نمی دانید. اگر شما با آن ها همبازی نشوید و پیوسته به آنان تلقین کنید و هشدار دهید که رفتارهایشان همه بی فایده و جاهلانه است، نه فقط منزلت و

جایگاه خود را در ذهن آنان از دست می دهید، در ایشان این باور را تقویت می کنید که وی فردی بیهوده گرا و بازیگوش است که ارزش خود و عمرش را نمی داند. باور این تلقین نه تنها آنان را از بازی متنفر نمی سازد، ایشان را ناخواسته به بیهوده گرایی سوق می دهد. و به عکس، هر چه بیشتر در بازی آنان شرکت کنید با شما احساس تفاهم و صمیمیت بیشتری می کنند .

مرحوم علامه مجلسی در ضمن نقل روایتی می نویسد: پیامبر اکرم(ص) هر روز با نوه اش حسین(ع) بازی می کرد.(۴۱) روزی آن بزرگوار به مهمانی دعوت شده بود و عده ای در راه با ایشان همراه شدند. ناگهان حسن(ع) را در کوچه دید که بازی می کرد. پیامبر در حضور مردم دوید و کوشید تا وی را بگیرد. کودک به این طرف و آن طرف می دوید و می گریخت و رسول خدا(ص) را می خندانید. سرانجام حضرت وی را گرفت و پیوسته او را بوسه زد....(۴۲)

روزی حسین(ع) در دامن آن حضرت نشسته بود و رسول خدا(ص) (آن قدر با وی بازی کرد و خندید که عایشه به اعتراض گفت: چقدر با او بازی می کنی!! حضرت فرمود: وای بر تو! چطور او را دوست نداشته باشم، در حالی که او میوه دل و نور چشم من است. (۴۳)

ج. سلام به بچه ها

پنج چیز است که تا پایان زندگی آن ها را ترک نمی کنم؛ یکی از آن ها سلام کردن به کودکان است.(۴۴)

این فرموده حضرت محمد(ص) است، در عصری که بزرگسالان برای یکدیگر ارزش و احترامی قائل نبودند و حقوق یکدیگر را مراعات نمی کردند. گویند: آن والا مقام بر کوچک و بزرگ سلام می کرد و در سلام کردن بر همگان - حتی به کودکان - پیشی می گرفت و به آنان دست می داد و می فرمود: پیوسته در سلام کردن به بچه ها مراقبت دارم، تا پس از من به صورت یک سنت میان مسلمانان باقی بماند و بدان عمل کنند.(۴۵)

زمانی که در پی برخورد با بزرگسالان به آن ها سلام کنیم و در ملاقات با کودکان از سلام به آن ها دریغ ورزیم ناآگاهانه در روش تربیتی خود دچار تناقض رفتار شده ایم. ما از یک سو برای آرام کردن کودکان و دعوت آنان به انجام کارهای خوب و ترک کارهای بد، به آن ها می گوییم که بزرگ شده اند و دیگر نباید رفتار نادرست انجام دهند؛ از طرفی از سلام کردن به آنان دریغ می ورزیم و گویا ایشان را تا این میزان بزرگ نمی شناسیم که سزاوار سلامشان بدانیم. آنان گرچه خردسال باشند این تناقض رفتار ما را درک می کنند و می پندارند که بزرگسالان پیوسته آنچه به صلاح خود بدانند عمل می کنند، نه آنچه به واقع صلاح است .

دیگر آن که آن ها خوب متوجه می شوند که سلام نشان دهنده وجود ارتباط، تفاهم و صمیمیت است. دو فرد که به یکدیگر سلام نمی کنند یعنی که میان ایشان پیوند عاطفی برقرار نیست. همین احساس در اولین برخورد، میان کودک و بزرگسالان فاصله و بیگانگی پدید می‌آورد .

افزون بر اینها ترک سلام به بچه ها سبب می شود که آنان احساس کنند ((نزدیک شدن و به تفاهم رسیدن با بزرگ ترها دشوار است. بزرگ ترها دنیای مخصوص به خود دارند که در آن می توانند با یکدیگر تفاهم برقرار کنند و این زمینه اصلا برای کودکان فراهم نیست که به دنیای آنان نزدیک شوند.))

نکته پایانی این که: سلام بزرگ تر به کودک، عامل احساس امنیت و اعتماد به نفس کودک است. این تواضع بزرگسال گویی به کودک تلقین می کند که وی خود را برتر از کودک نمی داند و حاضر است همه مراتب احترام را به وی تقدیم نماید .

د. ترک تنبیه

هرگاه ((تنبیه)) به معنای آگاه ساختن، هشیار نمودن و عامل اظهار انزجار از رفتار نادرست دیگری باشد، باید آن را یکی از ابزارهای تربیت و پرورش کودکان دانست. اما اگر به معنای ((کتک زدن و مجازات کردن)) باشد، باید اعتراف کرد که چنین چیزی در رفتار حضرت محمد(ص) هرگز نسبت به کودکان مشاهده نشد . از شگفتی های زندگی حضرت محمد(ص) یکی آن است که هرگز هیچ کودکی را تنبیه بدنی ننمود. به راستی، او با کودکان چگونه رفتار می کرد و تربیت شان می نمود که هیچ گاه نیازمند تنبیه بدنی ایشان نشد؟! می نویسند: زمانی که آن حضرت پس از وفات ابوطالب(ع) و شدت گرفتن فشار قریش به سوی مردم طایف رفت تا شاید حمایت آنان را جلب کند، اهالی طایف وی را از خود راندند و با تحریک کودکان، از ایشان خواستند که پیامبر را سنگ بزنند. بچه ها به آن حضرت سنگ می زدند، اما رسول خدا(ص) کمترین واکنشی نسبت به آنان انجام نداد و تنها علی(ع) بچه ها را از آن حضرت دور می نمود. (۴۶)

نتیجه گیری

پیامبر اکرم به سن و سال اهمیتی نمی دادند و همه ی گروههای سنی برایشان ارزشمند بوده اند البته با توجه به اینکه روحيات کودکان لطیف و دارای ویژگیهایی است که کمتر بزرگسالی می تواند با کودکان هم بازی شود می بینیم که پیامبر اکرم به راحتی خود را با شرایط سنی کودکان وفق داده و با آنان هم بازی شده و آنها را مورد لطف و عنایت خویش قرار میدادند ، از کل این مقاله نتیجه می گیریم که لطافت و گرمی با کودکان امری واجب می باشد که همه ی ما در سنینی مختلف و در حالات روحی مختلف باید بدان توجه داشته باشیم و این سرمشقی است که از پیامبر گرامی اسلامی در رابطه به کودکان به ما داده شده است .

فهرست منابع

- ۱- ر.ک: روان شناسی رشد، دکتر حسن احدی، شکوه السادات بنی جمالی، ص ۱۱۰ - ۱۶۴ .
- ۲- این دیدگاه فروید گرایان است. ر.ک: همان، ص ۱۱۱ .
- ۳- بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۱۵ .
- ۴- کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ح ۴۷۰۲ .
- ۵- بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۱۴ وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۲۶ .
- ۶- لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه لمن کان یرجو الله و الیوم الآخر... (سوره احزاب، آیه ۲۱) .
- ۷- بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۱۴ .
- ۸- مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۱۹ .
- ۹- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۹۵ .
- ۱۰- همان، ص ۹۳ .
- ۱۱- همان، ج ۱۵، ص ۱۲۸ .
- ۱۲- المستطرف، ابشیهی، ج ۲، ص ۲۱۸ به نقل مسئولیت تربیت، محمد دشتی، ص ۴۱ .
- ۱۳- بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۱۱۵ ج ۵، ص ۹ .
- ۱۴- فروع کافی، ج ۵، ص ۳۳۲ به نقل فرهنگ تربیت فرزند در اسلام، محمود ارگانی، ص ۱۶ .
- ۱۵- فروع کافی، ج ۵، ص ۳۳۲ .
- ۱۶- بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۳۷ .
- ۱۷- کافی، ج ۶، ص ۴۸، باب حق الاولاد ؛ وسائل الشیعه ۳۰) جلدی)، ج ۲۱، ص ۴۸۱ .
- ۱۸- بحار الانوار، ج ۴، ص ۸۶ .
- ۱۹- تحف العقول، ص ۵۱۲ .
- ۲۰- لسیره الحلبیه، ج ۳، ص ۴۸ .
- ۲۱- المحجه البیضاء، ج ۳، ص ۳۳۶ به نقل رفتار پیامبر با کودکان و جوانان، ص ۳۱ .
- ۲۲- در این باره، ر.ک: روان شناسی رفتار غیر عادی، دکتر پروین بیرجندی؛ نقش نیازهای روانی در بهداشت روانی و آموزش و پرورش، علی میرزا بیگی .
- ۲۳- الخصال، شیخ صدوق، ص ۶۸۶، نهج البلاغه، خطبه قاصعه؛ به نقل مشاهدات امیر مومنان(ع)، ص ۱۲ .
- ۲۴- مشاهدات امیرالمومنین(ع)، ص ۱۴-۱۶ .
- ۲۵- رفتار پیامبر با کودکان و جوانان، ص ۳۱ به نقل از شرف النبی، خرگوشی، ج ۱، ص ۱۱۵ .
- ۲۶- بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۴۲ .

- ۲۷- همان، ج ۶، ص ۲۴۰ .
- ۲۸- همان، ج ۴۳، ص ۲۹۴-۲۹۶ .
- ۲۹- همان، ج ۲۳، ص ۱۱۳ .
- ۳۰- وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۲۶ .
- ۳۱- بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۶۱
۳۲. همان، ج ۸، ص ۱۴۲. باید توجه داشت که بوسیدن دختر بچه بزرگ تر از شش سال برای مردان، و بوسیدن پسر بچه ای در این سن برای زنان، کراهت دارد .
۳۳. همان، ج ۴۳، ص ۴۲ .
۳۴. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۰۲ .
۳۵. همان، ج ۱۵، ص ۲۰۳ .
۳۶. وی در کتابش (ذهن کودک) این نظریه را به اثبات رسانده است .
۳۷. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۸۵ .
۳۸. المحجه البیضاء، ج ۳، ص ۳۶۶ رفتار پیامبر با کودکان و جوانان، ص ۵۲ .
۳۹. الکافی، ج ۲، ص ۹۴ .
۴۰. بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۳۷۸ .
۴۱. همان، ج ۴۳، ص ۲۸۵ .
۴۲. همان، ص ۳۰۶ .
۴۳. همان، ج ۴۴، ص ۲۶۰ .
۴۴. همان، ج ۱۶، ص ۲۱۵ .
۴۵. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۰۹